

«مافیای یهودی روسیه» و مسئله انرژی هسته‌ای ایران

درباره رشد شگرف «مافیای یهودی» در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی، به‌ویژه روسیه و اوکراین، فراوان سخن گفته می‌شود. این «مافیا»، که در اتحاد شوروی پیشین خود را در ساختار حزب کمونیست و سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی، به‌ویژه کا. گ. ب. و دولت اتحاد شوروی پنهان کرده بود، از زمان حکومت بوریس یلتسین، اولین رئیس‌جمهور روسیه (۱۹۹۱-۱۹۹۹) پس از فروپاشی شوروی، پایه‌گذاری شد و اقتداری کم‌نظیر به دست آورد. از آن زمان تا به امروز مطالب فراوانی دال بر نقش تاتیانا دیاچنکو، [+] دختر کوچک یلتسین، در ساختار مافیای روسیه و نقش این کانون در غارت ثروت ملی و اموال دولتی و به فساد کشاندن اقتصاد روسیه منتشر شده است. در دهه ۱۹۹۰ میلادی بنیانگذاران نامدار «مافیای یهودی روسیه» به عنوان نزدیک‌ترین دوستان و شرکای تاتیانا شناخته می‌شدند؛ کسانی چون بوریس برزوفسکی، [+] رومن آبراموویچ، [+] مالک ۲۶ درصد سهام کمپانی هواپیمایی ایرفلوت در زمان یلتسین، ولادیمیر پوتانین [+] و دیگران. تاتیانا چنان به بدنامی و فساد مالی شهره است که تا به امروز مردم روسیه او را «تاتیانای خبیث» می‌نامند.

عجیب است که در همان زمان، اولگ لوبوف، [+] ثروتمند نوحاسته و رئیس شورای امنیت ملی روسیه و مشاور نزدیک یلتسین و دوست نزدیک تاتیانا، با فومی هیرو جویو، [+] از گردانندگان فرقه مذهبی- تروریستی و به شدت ضد یهودی اوم شینریکوی ژاپن، که دارای دعاوی دینی درباره قریب‌الوقوع بودن آخرالزمان است، رفاقت و شراکت مالی داشت تا بدان‌جا که فرقه اوم در مشارکت با لوبوف دانشگاه مسکو- ژاپن را در روسیه تأسیس کرد. (بنگرید به یادداشت «معمای یک فرقه رازآمیز: اوم شینریکو»)

همین کانون بود که یک سرهنگ گمنام کا. گ. ب. به نام ولادیمیر پوتین را کشف و به یلتسین معرفی کرد؛ یلتسین وی را کارگزاری کارآمد تشخیص داد و در سال ۱۹۹۵ به عنوان نخست‌وزیر منصوبش نمود. می‌گویند یلتسین با پوتین شرط کرد که تو را رئیس‌جمهور روسیه خواهم کرد مشروط بر این‌که خانواده من و ثروت‌شان همراه مصون از تعرض باشد. بدینسان، در ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹، در آستانه هزاره سوم میلادی، یلتسین (متوفی ۲۳ آوریل ۲۰۰۷) به بهانه بیماری از ریاست‌جمهوری کنار رفت، پوتین زمام امور را به دست گرفت و اندکی بعد در انتخابات دستکاری شده مارس ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور شد و در ۱۲ فوریه ۲۰۰۱ فرمانی را صادر کرد که رؤسای جمهوری پیشین و اعضای خانواده‌شان را از پیگرد قانونی مصون می‌کرد. پوتین با همین سازوکار در سال ۲۰۰۸ جوانی ۴۲ ساله و ناشناخته به نام مدودوف را به عنوان رئیس‌جمهور روسیه برکشید.

تاتیانا و شبکه‌ای که او از بنیانگذارانش بود از طریق «خصوصی کردن» صنایع عظیم روسیه میلیاردها دلار به جیب زدند. از زمان یلتسین تا به امروز خانواده یلتسین از طریق آلکسی دیاچنکو، شوهر اول «تاتیانای خبیث»، و والری اوکولوف، شوهر یلنا اوکولوا دختر بزرگ یلتسین، اداره کمپانی معظم هواپیمایی ایرفلوت را به دست دارند؛ کمپانی که در زمان حکومت یلتسین، در ماجرای واگذاری اموال دولتی به بخش خصوصی غارت شد. همین کمپانی است که در سال‌های ۱۳۷۰ ش. در ایجاد شرکت‌های خصوصی هواپیمایی ایران نقشی بزرگ ایفا نمود.

معرفی «مافیای یهودی روسیه»، و پیوند آن با کانون‌های مشابه در ایالات متحده آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل، و نقش این کانون همبسته در عملیات پنهان مالی و انواع شیادی‌های سیاسی- اقتصادی به کتابی مفصل نیازمند است. با توجه به اهمیت مسئله انرژی هسته‌ای در سرنوشت ایران در مقطع تاریخی کنونی، در این یادداشت هدفم صرفاً جلب توجه مردم، مقامات و محافل و احزاب و شخصیت‌های سیاسی ایران است به خطری که به دلیل ناشناخته ماندن جایگاه بزرگ مافیای روسیه، و سایر جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی به‌ویژه اوکراین، ایران را تهدید می‌کند. باید بیفزایم که در دو دهه اخیر، این مافیا از طریق معاملات عظیم با ایران سودهای کلان به جیب زده است. در ظاهر این‌گونه است که ایران با روسیه یا اوکراین در تعامل است ولی در واقع، چنان‌که خواهیم دید، با اختاپوسی مواجهیم که اندام آن از باکو و ایروان و تفلیس در جوار مرزهای ایران تا نیویورک و لندن و پاریس و تل‌آویو گسترده است. یک نمونه، جایگاه مسعود عالیخانی است. عالیخانی، که در سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۷ گرداننده واقعی شبکه‌های پنهان اسرائیل در ایران به‌شمار می‌رفت، تا بدان حد که مطلعین جایگاه او در عملیات موساد در ایران را برتر از یعقوب

نیمرودی و یوری لوبرانی می‌دانند، در دوران یلتسین در اوکراین و روسیه فعالیت گسترده‌ای را دنبال می‌کرد و به این دلیل عضو هیئت مدیره «بنیاد بین‌المللی خصوصی سازی روسیه» بود. در این یادداشت به معرفی سه شخصیت سیاسی روسیه می‌پردازم که در ارتباط با مسئله انرژی هسته‌ای ایران نقش تعیین‌کننده داشته‌اند:



آناتولی چوبایس، یهودی مخفی و «دومین مرد منفور روسیه پس از برزوفسکی» و مؤثرترین مقام روسی در مسائل انرژی هسته‌ای ایران



سرگی کیرینکو، رئیس سازمان انرژی اتمی روسیه در حال سخنرانی در اجلاس سال ۲۰۰۰ داووس

آناتولی چوبایس [+] (متولد ۱۳۳۴ / ۱۹۵۵) را باید شخص اوّل و تعیین‌کننده در امور مربوط به انرژی هسته‌ای ایران دانست. چوبایس از میلیاردهای نوخاسته روسیه است و نام او به عنوان یکی از ثروتمندان بزرگ جهان در نشریات غربی درج می‌شود. چوبایس را «یهودی مخفی» و «دومین مرد منفور روسیه پس از بوریس برزوفسکی» می‌دانند. [+] او به عنوان وزیر دولت یلتسین طراح برنامه «خصوصی سازی» اقتصاد روسیه بود و راهی را آغاز کرد که وی و شرکایش را

به ثروت‌های افسانه‌ای رسانید. چوبایس در سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۸ رئیس مجتمع انرژی United Energy Systems (UES) روسیه بود و از سال ۲۰۰۸ رئیس مجتمع نانو تکنولوژی روسیه Rosnanotech است و نیز عضو شورای مشاورین بانک ج. پ. مورگان چیس JPMorgan Chase & Co. بزرگ‌ترین بانک و غول مالی ایالات متحده آمریکا. [+] درباره پیوند خاندان آلمانی (یهودی) تبار مورگان و بانک مورگان با بنیاد روچیلد، از بدو فعالیت در ایالات متحده آمریکا به عنوان کارگزار روچیلدها، در آثار خود سخن گفته و در آینده نیز مستندات بیش‌تری عرضه خواهیم کرد.

سرگی کیرینکو [+] (متولد ۱۳۴۱ / ۱۹۶۲)، رئیس «آژانس انرژی اتمی» روسیه Rosatom، [+] نیز، مانند پوتین و چوبایس و ملامد، از برکشیدگان یلتسین است و در زمان ریاست جمهوری یلتسین مدتی کوتاه (از ۲۳ مارس تا ۲۳ اوت ۱۹۹۸) نخست‌وزیر روسیه بود. کیرینکو نوه یک یهودی است به نام یاکوف ایزرائیل (یعقوب اسرائیل). کیرینکو از ۳۰ نوامبر ۲۰۰۵ ریاست «روس اتم» (آژانس انرژی اتمی فدرال) و ریاست هیئت مدیره کمپانی عظیم «اتم انرگوپرام» Atomenergoprom را به دست دارد و عالی‌ترین مقام روسی در زمینه انرژی هسته‌ای به‌شمار می‌رود. او همان کسی است که از بدو انتصابش مکرر وعده می‌داد نیروگاه بوشهر را به زودی به پایان خواهد برد.

سوّمین فرد مؤثر در مسائل مرتبط با انرژی هسته‌ای ایران لئونید ملامد [+] است. اگر کیرینکو با استفاده از نام اوکرائینی مادرش تبار یهودی خود را پنهان می‌کند و اگر چوبایس می‌کوشد تا به عنوان یهودی شناخته نشود، لئونید ملامد ابایی ندارد که از شهرت خاندان نامدار خود بهره برد. خاندان ملامد از سرشناس‌ترین خاندان‌های زرسالار یهودی است که تبار ایشان به اسپانیای سده پانزده میلادی و به خاخام مه‌یر ملامد، وزیر ایزابل ملکه کاستیل، می‌رسد. ایزابل همان حکمرانی است که به همراه شوهرش فردیناند، شاه آراگون، غرناطه (گرانادا)، آخرین بازمانده اندلس اسلامی، را تصرف کرد و هفت ماه بعد با ثروت به دست آمده از تاراج غرناطه در اوت ۱۴۹۲ کریستف کلمب را راهی سفر «هند» نمود؛ سفری که به «کشف» قاره آمریکا انجامید.



لئونید ملامد

خاندان ملامد پرشمار و متنفذ است و در تاریخ ایران نیز، چون عثمانی، نقش مؤثر داشته است. ملا سیمانطوب ملامد، رئیس یهودیان مشهد در اواخر سده هیجدهم میلادی، شخصیتی مهم در عرصه کاباليسم و تصوف رازآمیز ایران

است. والتر فیشل او را «رهبر معنوی یهودیان مشهد، شاعر، فیلسوف و مؤلف رساله‌هایی به عبری و فارسیهود» معرفی می‌کند. ملا سیمانطوب ملامد چهره‌ای است مهم در تاریخ فرقه‌های رازآمیز ایران و شناخت زندگی و اندیشه‌های او «حلقه گمشده‌ای» است در شناخت تکاپوی «صوفیان یهودی» و شبکه یهودیان مخفی در شیراز و مشهد و سایر نقاط ایران از نیمه دوم سده هیجدهم میلادی. این شبکه، علاوه بر خراسان و افغانستان و آسیای میانه، از طریق خاندان ملامد با عثمانی و «صوفیان ترک» نیز پیوند می‌خورد. ریاست خاندان ملامد بر یهودیان شیراز نیز موروثی بود و در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه ملا رحیم روین ملامد هاکوهن ریاست یهودیان شیراز را به دست داشت. ملا رحیم ملامد در سال ۱۹۰۶، در ۵۲ سالگی، به فلسطین مهاجرت کرد و در بیت‌المقدس ساکن شد. میراث «صوفیان یهودی» مشهد و شیراز و اصفهان و کاشان و همدان و دماوند در کارنامه ربی ملامد تداوم یافت. او یکی از رهبران و مروجان تصوف رازآمیز یهودی (کابالا) در بیت‌المقدس بود و کتابی در حواشی ژهر، کتاب مرجع کابالا (قباله)، نگاشت که در سال ۱۹۱۹ انتشار یافت. پسرش، عزرا زیون ملامد، در شیراز به دنیا آمد، در سه سالگی به همراه پدر به بیت‌المقدس رفت و بعدها به یکی از اساتید سرشناس دانشگاه‌های اسرائیل بدل شد. عزرا ملامد از سال ۱۹۶۱ به تدریس «کتاب مقدس» و «تلمود» در دانشگاه‌های عبری اورشلیم، برایلان (حومه تل‌آویو) و تل‌آویو اشتغال داشت و عضو آکادمی زبان عبری و شورای باستان‌شناسی اسرائیل بود. او تا زمان مرگ حاخام افتخاری یهودیان ایرانی نیز بود. خاندان ملامد پرشمار است و در سراسر جهان گسترده. در دوران پهلوی، ملامدها در فراماسونری ایران فعال بودند. دکتر ناصر ملامد، استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، عضو لژ لافرانس بود. ناصر ملامد در ۱۰ آذر ۱۳۵۶ در لژ جویندگان کمال سقراط، وابسته به طریقت کهن اسکاتی، به درجه چهارم ارتقاء یافت. در این مراسم دو ماسون نامدار شیراز، دکتر ذبیح قربان و پسرش دکتر کامبیز قربان، حضور داشتند.



ملامد و دوست صمیمی‌اش چوبایس

لئونید ملامد از گردانندگان اصلی فعالیت‌های هسته‌ای روسیه است و رئیس پیشین کنسرن دولتی «راس‌انرگواتم» که امروزه «انرگواتم» [+ نامیده می‌شود. لئونید ملامد در فوریه ۲۰۰۰، زمانی که ریاست «راس‌انرگواتم» را به دست داشت،

از تداوم همکاری‌های این مجتمع با ایران و هند و چین در زمینه انرژی هسته‌ای، به‌رغم ممانعت ایالات متحده آمریکا، خبر داد. (آسیا تایمز، ۳ فوریه ۲۰۰۰) [+] ملامد تا سپتامبر ۲۰۰۸ رئیس مجتمع «راس نانو تک» بود.

هسته سه نفره چوبایس - کرینکو - ملامد در دهه اخیر نقشی بزرگ و مرموز در مسائل مرتبط با انرژی هسته‌ای ایران ایفا کرده است. شناخت ماهیت این سه تن می‌تواند راهگشای ما در تبیین سیاست‌های عقلایی و منطبق با مصالح ملی باشد.

معمای یک فرقه رازآمیز: اوم شینریکو و آخرالزمان

فرقه اوم شینریکو Aum Shinrikyo را فردی نابینا به نام گیزو ماتسوموتو در سال ۱۹۸۶ در ژاپن تأسیس کرد. او بعداً نام «آساهارا شوکو» را بر خود نهاد. اوم واژه سانسکریت و به معنی «قدرت‌های مخرب و سازنده جهان» است و شینریکو به معنی «آموزش حقیقت برتر». همان‌گونه که از نام فوق پیداست، هدف فرقه آموزش حقیقت برتر درباره ساخت و تخریب جهان عنوان می‌شود. فرقه اوم در اوت ۱۹۸۹ به‌عنوان یک فرقه دینی در ژاپن به ثبت رسید. از همان زمان فرقه با شکایت والدینی که فرزندان‌شان به عضویت آن درآمده و ارتباط خود را با خانواده قطع کرده بودند مواجه شد. فرقه در اصل بودائی است ولی آخرالزمان را کاملاً نزدیک می‌داند و دشمن اصلی را ایالات متحده آمریکا که به اعتقاد آساهارا مخلوق فراماسون‌ها و یهودیان و دشمن ژاپن است. آساهارا اعضای فرقه را به آمادگی برای فرار رسیدن قریب‌الوقوع آرماگدون (آخرالزمان) فرا می‌خواند. برای مقابله با این وضع، اعضای فرقه احداث پناهگاه‌های مقاوم در برابر حملات اتمی را آغاز کردند.

در مارس ۱۹۹۳ آساهارا دستور ساختن گاز سارین و تهیه سلاح‌های شیمیایی را صادر کرد و یکی از اعضای فرقه که متخصص شیمی ارگانیک بود مسئول شاخه تحقیقات شیمیایی و بیولوژیک فرقه شد. در اواخر ۱۹۹۳ گروه علمی فوق موفق به ساختن گاز سارین شد. اوم شینریکو از امکانات مالی و عملی گسترده برخوردار بود و ۲۰ نفر متخصص میکروبیولوژی که در بهترین لابراتوارهای ژاپن کار می‌کردند در این گروه عضویت داشتند. در ۲۷ ژوئن ۱۹۹۴ اعضای فرقه گاز سارین را در منطقه مرکزی توکیو پخش کردند که به مرگ هفت نفر و جراحت صدها نفر انجامید. در ۲۰ مارس ۱۹۹۵ ده تن از اعضای فرقه با گاز سارین به متروی زیرزمینی توکیو حمله کردند. در این تهاجم ۱۲ نفر کشته و هزاران نفر مسموم شدند. در زمان حمله به متروی مرکزی توکیو این فرقه ۱۱۰۰ عضو فعال داشت. طبق ادعای پلیس ژاپن، از اکتبر ۱۹۸۸ تا مارس ۱۹۹۵ سی و سه تن از اعضای فرقه به‌علت نافرمانی به‌دستور آساهارا کشته شدند. تحقیقات بعدی پلیس چندین مورد مثله کردن و هشت فقره مرگ به‌علت اقدام به تمرینات فرقه، دو مورد خودکشی و چند مورد ناپدید شدن اعضا را ثابت کرد. بعد از دستگیری آساهارا، یکی از اعضای فرقه به‌نام فومی هیرو جویو، دوست اولگ لوبوف فوق‌الذکر در روسیه، رهبری فرقه را به‌دست گرفت و به بازسازی آن پرداخت. او نام فرقه را از "اوم" به "الف" (حرف اول الفبای عربی و عبری) تبدیل کرد که به معنی "شروع مجدد" است. فرقه فوق به رهبری جویو همچنان آزادانه فعالیت می‌کند و هنوز آساهارا را به‌عنوان بنیانگذار خود مورد تکریم قرار می‌دهد. آساهارا در روسیه نیز پیروانی دارد و زمانی در سفر به مسکو در یک اجتماع ۱۵ هزار نفری از هوادارانش سخنرانی کرد. فضای آشفته سیاسی و شکست ملت روسیه زمینه مناسبی است برای تبلیغات فرقه به‌ویژه جنبه‌های ضد یهودی و ضدآمریکایی آن. در ماجرای متروی توکیو، جویو نیز دستگیر و به سه سال زندان محکوم شد. او که خوش‌سیما و خوش‌لباس است، در جریان محاکمه اعضای فرقه مرتب در تلویزیون و مطبوعات مصاحبه می‌کرد و به این ترتیب به چهره‌ای محبوب در میان نوجوانان ژاپنی بدل شد. فرقه اوم بیش از یک میلیارد دلار ثروت دارد و فقط در نیویورک دارای هشت شرکت تجاری است.

الی کارمون نویسنده اسرائیلی در اکتبر ۱۹۹۹ نوشت:

«از نیمه سال‌های ۱۹۸۰ تجدید حیات یهودی‌ستیزی در ژاپن مشاهده می‌شود. ده‌ها کتاب ضد یهودی در شمارگان میلیون به فروش می‌روند. بخشی از مسئولیت این پدیده به گردن چپ‌های ژاپن است زیرا شعارهای

ضد صهیونیستی آن‌ها منجر به تشدید نفرت از یهودیان و فرهنگ یهودی شد. برخی نظریه‌پردازان افراطی چپ حتی نظریاتی را در زمینه توطئه جهانی یهود مطرح می‌کردند که با تبلیغات مشابه از سوی راست‌گرایان متفاوت بود. یکی از محبوب‌ترین مؤلفین ضد یهودی ژاپن، اونو ماسامی، کشیش بنیادگرای مسیحی، است. او در سال ۱۹۸۶ دو کتاب چاپ کرد و ادعا کرد که ایالات متحده یک کشور یهودی است و به‌وسیله یک دولت در سایه یهودی اداره می‌شود. در ۱۹۹۲ یک مؤلف جدید ضد یهودی به نام اوتا ریو توطئه یهودیان برای تخریب ژاپن را به ۱۲۰۰ سال پیش، به دوران نارا در تاریخ ژاپن، امتداد داد. در اوایل سال ۱۹۹۵ دو کتاب چاپ شد که یهودیان را حتی به‌خاطر زلزله کواب در ژانویه ۱۹۹۵ متهم می‌کرد. بنابراین، یهودی‌ستیزی فرقه اوم در محیط فرهنگی مساعدی رشد کرد و اندیشه‌ها و گرایش‌هایی را بیان نمود که در محیط کنونی ژاپن موجود بود.»

Eli Caromon, The Anti- Semitism of Japan's Aum Shinrikyo: A Dangerous Revival [+]

شواهد زیر نشان می‌دهد که فرقه اوم را از بدو تأسیس کانون‌های مرموز حمایت می‌کنند:

۱- در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵ حدود ۶۰ نفر از اعضای اوم از مراکز این فرقه گریختند و درباره محبوس کردن و سوءاستفاده از اعضای فرقه برای پلیس سخن‌ها گفتند. در تمامی این موارد پلیس حاضر نشد علیه فرقه اقدام کند. حتی کودکان برخی از این فراریان به‌عنوان گروگان در اردوگاه‌های فرقه مانده بودند. در این موارد نیز پلیس حاضر به مداخله نشد و ترجیح داد با سران فرقه برای آزادی کودکان مذاکره کند. اگر مذاکرات به نتیجه نمی‌رسید، پلیس به اقدام دیگر دست نمی‌زد.

۲- مواردی وجود داشت که اعضای فراری در خیابان‌های شلوغ و ایستگاه‌های مترو به‌وسیله اعضای فرقه دستگیر و با اتومبیل به مقرهای فرقه منتقل می‌شدند. در این موارد نیز پلیس هیچگاه دخالت نکرد.

۳- در ماجرای حمله به شهر ۳۰۰ هزار نفری ماتسوموتو (۲۷ ژوئن ۱۹۹۴)، پلیس داستانی مضحک عنوان کرد و مدعی شد که مهاجم، به نام کونو، گاز سارین را شخصاً و احتمالاً تصادفی ساخته است. ساختن گاز سارین به تجهیزات پیشرفته نیاز دارد و با وسایل ابتدایی ساخت آن میسر نیست. شیمی‌دانان و کارشناسان در سراسر جهان بر این نکته انگشت گذاردند ولی پلیس ژاپن همان داستان را تکرار کرد و رسانه‌های ژاپنی نیز کاملاً از نظر پلیس حمایت کردند. جالب‌تر این است که اندکی پس از این حادثه، پلیس در بیرون یکی از اردوگاه‌های فرقه اوم رسوبات گاز سارین را کشف کرد. این یافته نیز پنهان نگه داشته شد و بازپرسی از کونو طبق همان سناریو ادامه یافت. پلیس حتی کونو را مجبور کرد اعتراف کند که سارین را خودش ساخته است.

۴- زمانی که پلیس به اردوگاه فرقه اوم وارد شد (۱۵ مه)، هیچ نوع اسلحه و مهمات و هیچ نشانی از گاز سارین نیافت. گفته می‌شود که چند ساعت قبل از ورود پلیس این وسایل به‌وسیله چند اتومبیل و واگن از محل خارج شده است. این در حالی است که می‌دانیم از دو روز قبل این محل زیر نظر پلیس بود. گفته می‌شد که آسahارا اندکی قبل از ورود پلیس به مقر فرقه این محل را ترک کرده است. ولی او بعداً در همین محل پیدا شد. یعنی وی چنان به خود اطمینان داشت که مقر فرقه را ترک نکرد.

۵- ماسایوشی تاکمورا، وزیر دارایی ژاپن، دستور داد که کلیه دارایی‌های فرقه صورت‌برداری شود ولی پلیس حاضر نشد این اطلاعات را حتی در اختیار یک وزارتخانه دولتی قرار دهد. در آن زمان، دارایی فرقه یکصد میلیارد ین (۱/۲ میلیارد دلار) تخمین زده می‌شد. هم پلیس و هم سران فرقه مدعی بودند که تنها ممر درآمد فرقه اعانه‌ای است که پیروان آن پرداخت می‌کنند. می‌دانیم که اوم حدود ده هزار پیرو در ژاپن داشت که بسیاری از ایشان دانشجو بودند و توان پرداخت مبالغ چشمگیر نداشتند. هزینه‌های اوم با گشاده‌دستی صورت می‌گرفت و نشان می‌دهد که این فرقه از پشتوانه مالی چشمگیری برخوردار است. اوم ده‌ها نفر از اعضای خود را برای تجارت به سراسر ژاپن روانه می‌کرد و برخی از آنان بیش از یکصد کارمند داشتند که هوادار فرقه نبودند و هیچ یک از این شرکت‌ها نیز سودی نداشت. ظاهراً اوم قصد نداشت از این شرکت‌ها پولی به‌دست آورد. این شرکت‌ها تنها برای عضوگیری و ایجاد پوشش برای عملیات غیرقانونی به کار گرفته می‌شدند. اوم ماهیانه ۱۱۸ هزار دلار نیز صرف عملیات خود در خارج از ژاپن می‌کرد. بنابراین، در طول شش سال صدها میلیون دلار و شاید میلیاردها دلار به‌وسیله فرقه خرج شده است. این ادعا که پول هنگفت فوق از طریق اعانه هواداران به‌دست آمده به‌کلی مضحک است. روشن است که اوم منبع درآمد دیگری داشته است.

توجه کنیم زمانی که پلیس مقرر فرقه را جستجو کرد ۷۰۰ میلیون بین (۲۴/۸ میلیون دلار) پول نقد و ده شمش طلا به دست آورد. این شمش‌ها فاقد برجسب دولتی بوده که عیار و وزن آن را مشخص می‌کند. روشن است که اوم این شمش‌ها را خریداری نکرده زیرا طلای خریداری شده حتماً با برجسب فوق و تعیین وزن و عیار عرضه می‌شد. از شین کانمارو* نیز شمش‌های طلای مشابهی به دست آمد. می‌توان حدس زد که منبع هر دو طلا یکی بوده است. بهرحال، هیچگاه منبع ثروت فراوان فرقه اوم روشن نشده است.

۶- نزدیکی جویو، رهبر فرقه در روسیه، با مقامات عالی‌رتبه روسی، از جمله اولگ لوبوف، رئیس وقت شورای عالی امنیت ملی روسیه و مشاور نزدیک یلتسین و دوست تاتیانا دختر بدنام یلتسین، تصادفی نیست. گفته می‌شود یکی از دولت‌مردان بلندپایه و سرشناس ژاپنی جویو را به مقامات روسی معرفی کرده بود. علی‌القاعده، این فرد همان شین کانمارو است.

* شین کانمارو (۱۹۱۴-۱۹۹۶) [+] سیاستمدار ژاپنی. کانمارو از رهبران حزب لیبرال دمکرات ژاپن (LDP) بود و به "شاه‌ساز" Kingmaker شهرت داشت به‌خاطر نقش بزرگش در تعیین سرنوشت دولت‌های ژاپن. کانمارو به دریافت رشوه‌های کلان شهرت داشت. او بسیار ثروتمند بود و در زمان مرگ میلیاردها دلار ارثیه بر جای گذارد. در سال ۱۹۹۲ جنجال رشوه او به یکی از رسوایی‌های بزرگ مالی ژاپن بدل شد. با مافیای ژاپن و گروه‌های افراطی راست‌گرای ژاپن ارتباط نزدیک داشت.